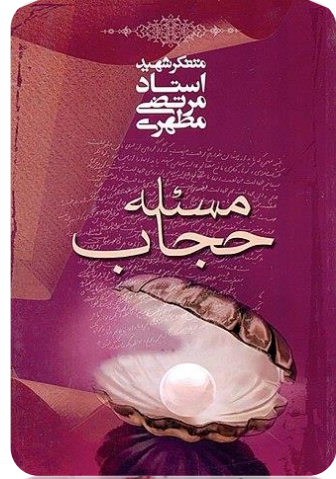


عفاف و حجاب

برگرفته از کتاب

مسئله حجاب شهید مطهری

آ. نیکوپور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نسل جوان امروز از نظر مذهبی نیاز به راهنمایی صحیح و درست افکار و عقاید دارد.

بزرگترین مشکل در راهنمایی نسل امروز، فهمیدن زبان و منطق ایشان و رویارویی با انحرافات دینی و عقلی با منطق خود این نسل می‌باشد.

بیماری بزرگ عصر ما «پدیدهٔ برهنگی» می‌باشد که معلول نداشتن ارزش‌ها و عدم بهره‌مندی از افکار صحیح انسانی است.

لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم اسلامی است که نمی‌توان در آن تردید کرد. از مظاهر لزوم حریم‌داشتن میان زن و مرد با رعایت پوشش از جانب زن و مرد می‌باشد.

آنچه مسلم است این است که قبل از ورود تمدن اسلامی به سایر تمدن‌های آن زمان عقیده به حریم داشتن و پوشش چه مطابق عقاید مذهبی و چه به علت تعصبات قومی و قبیله‌ای وجود داشته است و حتی در ملل متمدنی مثل امپراطوری ایران قبل از اسلام زنان از منزلت عالی اما تحت قوانین سخت و شدید اجتماعی بوده‌اند و مطابق نظر برخی از مورخان دو چیز از ایران باستان در مورد دختران و زنان آمده است: اول لزوم پوشیدگی زن و دوم اختفاء و

گوشه‌نشینی برای برخی از طبقات مانند طبقات بالای جامعه و زنان شوهردار که از احترام خاصی برخوردار بودند.

علت پیداشدن پوشش و حجاب در میان ملل متمدن چه بوده است؟

در پاسخ به این سؤال مهم نظریات و علت‌های گوناگونی بیان شده است؛ غالب این علت‌ها ظالمانه و جاهلانه‌بودن حجاب را بیان می‌کند، نظریاتی چون میل به ریاضت و دوری از رهبانیت، احساس عدم امنیت و نبودن عدالت اجتماعی، تسلط مرد بر زن و حسادت و خودخواهی او نسبت به همسرش، احساس حقارت زن نسبت به مردان و ...

اما با نگاه دقیق و منطقی در می‌یابیم که علت و فلسفه پوشش از نظر دین اسلام هیچ کدام از این موارد نبوده است.

اسلام به عنوان دین کامل، دستورات جامع و هماهنگ با فطرت بشر را داده است. قرآن کریم، آفرینش وسایل تجمل و آراستگی را از لطف‌های خدا نسبت به بندگانش قلمداد کرده و استفاده نکردن از زینت‌های حلال را مورد تقبیح قرار داده است.^۱

۱. اعراف، آیه ۳۲؛ «بگو چه کسی زینت‌هایی که خدا برای بندگانش آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟»

همچنین التذاذات جنسی زن و مرد را در حدود قانون مجاز دانسته و برای بهره‌بردن و کامجویی زن و شوهر از یکدیگر ثواب‌هایی نیز قائل شده است تا جایی که مردان و زنان را موظف به رعایت نظافت و آرایش و زینت درمقابل یکدیگر کرده است.^۱ تا حداکثر رغبت نسبت به همدیگر را پیدا کنند و به نیازهای همدیگر پاسخ مناسب دهند.

همچنین با بررسی دقیق و کارشناسی در تاریخ در می‌یابیم علت دستور پوشش در اسلام، عدم امنیت در بین اقوام نبوده است، در میان اعراب جاهلیت به دلیل زندگی قبیله‌ای امنیت فردی کاملاً برقرار بوده است. اما پوشش و حجاب نبوده و این امر نشانگر آن است که قطعاً علت منحصر و اساسی پوشش ایجاد امنیت در جامعه نبوده است و اگر زمانی امنیت کامل هم برقرار باشد باز هم دستورات خداوند در این زمینه برقرار خواهد بود.

و اینکه بعضی از نظرات می‌گویند به خاطر بهره‌کشی و تسلط هرچه بیشتر مرد بر زن، دستور حجاب و پوشیدگی برای زنان آمده است.

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۶۷؛ حسن بن جهم از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند: ... خضاب و آرایش در مرد موجب رعایت پاکدامنی در همسر او است...

با دقت نظر در قوانین اسلام و مجوزهایی چون استقلال زنان در دارایی و متعلقات به خود، حق حضور در اجتماعات با رعایت حریم و قوانین مربوط به عفاف، حق اجرت گرفتن در مقابل شیردادن و انتخاب کار و شغل مناسب با رعایت مصلحت خانواده برای زنان و دختران؛ در می‌یابیم که قانون حجاب برای استعمار زن وضع نشده است و قطعاً فلسفه دیگری در کار است.

برخلاف نظر بعضی‌ها که می‌گویند قوانین دین و مذهب، خودخواهانه و مانع استفاده همگانی از منافع یکدیگر می‌باشد و زن را همچون کالایی رایگان و قابل دسترس دیگران می‌دانند تا جایی که غیرت داشتن مرد نسبت به زن را حسادت و حساسیت نسبت به وی دانسته و آن را نوعی انحصارطلبی از جانب مردان معرفی می‌کند؛ اسلام با دفاع از زن و حریم او غیرت را نوعی پاسبانی برای آفرینش مشخص کرده است و آن را یک شرافت انسانی نسبت به پاکی و طهارت جامعه می‌داند و برخلاف حسادت که ناشی از خودپرستی و خودخواهی هست به غیرت به عنوان حفاظت از پاکی نسل، نگاه کرده با هرگونه خودخواهی مردان برای استفاده بی حد و حصر از زنان مقابله می‌کند و حس انسان‌دوستی را در اجتماع رواج می‌دهد، تا جایی که اشخاص غیور نسبت به ناموس دیگران

نیز حساس می‌باشند و اجازه تجاوز و سوء استفاده از هیچ زن و دختری را ندهند و در پرتو وجدان اخلاقی و عاطفه نوعی حس ناموس پرستی اجتماعی پدید آید.

در حقیقت پوشیدگی زن یک نوع تدبیر ماهرانه غریزی برای بالابردن ارزش او می‌باشد. زن با تربیت سالم در اجتماع به دور از هرگونه تبعیض و نابرابری در می‌یابد که نباید خود را رایگان کند و روح عزت و استغنائی زن اجازه نمی‌دهد که اولین قربانی آزادی و بی‌بندوباری جنسی او باشد و درک این حقیقت تمایل او به پوشش بدن و عدم دسترسی آسان به وی را بیشتر می‌کند.

پوشش زن در اسلام در واقع مجوز حضور سالم در معاشرت‌ها و اجتماعات است و در پاسخ به این سؤال مهم فلسفه پوشش معلوم می‌شود که آیا بهره‌بردن مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا محدود بودن کامجویی و لذت زن و مرد از یکدیگر به محیط خانواده و همسران، مشروع برای زن بهتر است یا آزادبودن و کشیده شدن روابط به اجتماع؟

آنکه در این مسأله ذی نفع تر است کیست؟ مرد یا زن؟

قطعاً فلسفه پوشش در اسلام منحصر به یک علت نیست بعضی از جنبه روانی، بعضی جنبه خانوادگی و بعضی جنبه اجتماعی دارد.

از نظر روانی قطعاً حریم داشتن بین زن و مرد؛ هیجانات و التهایی جنسی را فرو می‌نشانند و مقابل غریزه نیرومند و عمیق جنسی سدّ محکمی ایجاد می‌کند. اینکه بعضی‌ها می‌گویند بی‌حجابی باعث عادی‌سازی روابط می‌شود، ناشی از عدم شناخت این غریزه و کارکرد آن در انسان است.

طغیان‌پذیری غریزه جنسی و سیرنشدن آن با وجود وسایل تحریک باعث ناآرامی روح بشر می‌شود به راستی چرا در دنیای بی‌اخلاق امروزی با وجود آزادی‌های جنسی، روح انسان آرام نشده و انحرافات و بی‌بندباری‌ها روز به روز بیشتر می‌شود؟

شک نیست که رعایت عفاف و پوشیدگی و اختصاص یافتن روابط جنسی شامل (نگاه، لمس، گفتگوی صمیمانه و ...) به خانواده، پیوندهای خانوادگی را محکم و موجب اتصال بیشتر زن و شوهر به یکدیگر می‌شود.

برعکس، معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوباری در روابط باعث می‌شود که یا جوانان از مسئولیت‌پذیری و تعهد نسبت به خانواده و ازدواج

گریزان باشند و روابط بدون تعهد را بر رابطه همراه با تعهد ترجیح دهند.

آنچه می‌توان از حجاب فهمید این است که آثار اجتماعی حجاب مختص زن یا مرد نیست، بلکه در یک جامعه سالم، نیروی کار می‌بایست به عنوان عامل انسانی دیده شوند و اجتماع باید از استعدادها و توانایی‌های این نیرو بهره برد و قطعاً بی‌بندوباری در روابط باعث فاسدشدن اخلاق اجتماع و استهلاک ثروت‌ها و نیروهای انسانی می‌شود.

اسلام با فعالیت اجتماعی زن نه به معنای تجارت و رذالت زن، موافق است او نمی‌خواهد نیروی زنانگی و سرمایه عصمت و عفت زن به استخدام نظام سرمایه‌داری درآید بلکه می‌خواهد جامعه از زنان و استعدادهایشان به طرز مفید و کارآمد استفاده کند و اجتماع از او و تواناییهایش به طرز صحیح بهره‌مند گردد.

و از همه مهم‌تر حریم نگاه‌داشتن زن میان خود و مردان باعث افزایش احترام و ارزش وی خواهد شد و یکی از فلسفه‌های پوشش

در قرآن نیز شناخت هرچه بیشتر زن به عفاف و پاکی می‌باشد.
«ذَلِكَ أَذُنِي أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ»^۱

ادله حجاب از نظر قرآن کریم

آیات مربوط به این موضوع در دو سوره از قرآن آمده است: یکی سوره نور و دیگری سوره احزاب. در سوره نور ابتدا دستور به رعایت حریم برای ورود به منازل و اتاق‌های خصوصی یکدیگر داده شده است. اینکه کسی برای ورود به حریم شخصی دیگری اجازه بگیرد، نشانگر حیا و لازم‌بودن رعایت عفاف در رفت و آمدها می‌باشد.^۲

در واقع این دو دستور یعنی اجازه خواستن در هنگام ورود به خلوت اشخاص و سرزده واردنشدن به حریم خصوصی افراد موجبات پاکی و سلامت را در محیط خانواده و سایر افراد فراهم آورده و در واقع مقدمه‌ای برای ورود به بحث حجاب می‌باشد.

در دومین آیه‌ای که در این رابطه مطرح می‌شود دستور به کنترل نگاه^۳ و جلوگیری از نظربازی در روابط اجتماعی می‌باشد؛ نگاه

۱. احزاب، آیه ۵۸

۲. نور، آیه ۲۷

۳. نور آیه ۳۰ و ۳۱

مقدمه هرگونه ارتباطی می‌باشد و برای جلوگیری از روابط ناسالم می‌بایست تماشا و التذاذ را از نگاه حذف کرد و فقط نگاه را شامل مقدمه‌ای برای مکالمه عادی بین زن و مرد دانست.

مسلماً در جایی که نگاه ناسالم به زن موجب فساد و تشویش خواهد شد، پوشاندن آن چیزهایی که نگاه به آن‌ها جایز نیست هم واجب خواهد شد.

دستور بعدی که در این آیات آمده است، لزوم پوشاندن زینت‌ها از نامحرم است؛ اینکه زینت چیست و شامل چیزهایی می‌باشد؟

در جواب باید گفت: زینت یعنی هر چیزی که باعث زیبایی در لباس و چهره و ظاهر اشخاص است و در بحث حجاب و عفاف: هر چیزی که باعث جلب نظر و توجه نامحرم بشود باید پوشانده شود، چه زینت‌هایی که متصل به بدن باشد مانند مو یا ناخن زینت شده و چه آن چیزهایی که از خارج به لباس یا بدن اضافه می‌شود. مانند: زیورآلات و وسائل تزئینی و مواد آرایشی که چهره را زینت می‌دهد. آنچه در عفاف داشتن مهم است جلوگیری از دلربایی و دلفریبی و

۱. «... وَلَا يُدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» و آشکار نکنند زینت‌هایشان را مگر آنچه آشکار است... (مثل چهره و دو دست)؛ آیه ۳۱ نور

نداشتن تبرج و خودنمایی می‌باشد نه اینکه صرف پوشاندن با پارچه و امثال آن ملاک باشد. نکته دیگری که در این آیات آمده است: کیفیت پوشش^۱ می‌باشد.

لفظ «خِمار» به معنای روسری بزرگ که روی گردن و سینه زن می‌افتد و این مواضع را می‌پوشاند. در این آیه بیانگر نحوه پوشاندن مو و سر توسط خانم‌ها است. در آیه مورد نظر ترکیب لغوی «ضرب» با «علی» این معنا را می‌رساند که پوشش سر به گونه‌ای آویزان باشد که حجم و برجستگی موضعی چون سینه را بپوشاند و این همان حجاب توأم با عفاف است.

دو استثناء در آیه مورد نظر در رابطه با حجاب آمده است:

استثناء اول در رابطه با موضعی که از نامحرم باید پوشانده شود و استثناء دوم در رابطه با افرادی که نامحرم به حساب نمی‌آیند و حجاب کردن برایشان واجب نیست.

در مورد اول، چهره و دو دست تا مچ تا جایی که زینت اضافه‌ای نداشته باشد، نمایان بودن آن نسبت به عموم افراد جایز است ولی

۱. «...وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ و بزند روسری‌هایشان را بر روی

سینه‌هایشان...»؛ آیه ۳۱ نور

در رابطه با نگاه به چهره زن باز هم دستور به پاکدامنی و جلوگیری از چشم‌چرانی در مورد مردان داده شده است.^۱

و در مورد دوم افرادی که می‌تواند فراتر از چهره و دو دست نمایان باشد و تا جایی که حریم اخلاقی افراد اجازه می‌دهد بدن و ظاهر پوشیده نباشد.

البته از نکات اخلاقی این آیه که حتی در مورد آشکارساختن زینت‌هایی چون خلخال پا نیز تذکر داده شده می‌توان فهمید که هر چیزی که موجب جلب توجه مردان قرار گیرد مانند استعمال عطرهای تند و آرایش‌های جالب نظر در معاشرت‌ها ممنوع است.

آنچه می‌توان از این آیات نتیجه‌گیری کرد این است که از نظر اسلام هر قد زن جانب عفاف و ستر را بیشتر رعایت کند پسندیده‌تر است و ارفاق‌ها و تسهیلاتی که در این زمینه داده شده نباید اصل کلی عفاف را خدشه‌دار کند.

آنچه باعث افتخار مسلمانان است این است که اسلام زن را از «پنهان‌شدن» و «قائم‌کردن» در ادوار گذشته در آورد. به پوشیدگی

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...؛ بگو به مردان مؤمن

که نگاه‌های خود را فروگیرند و پاکدامنی را حفظ کنند...»؛ آیه ۳۰ نور

و وقار مفتخر کرد تا بتواند در اجتماع حضور سالم و مؤثر داشته باشد و فعالیت بیرونی داشته باشد و تمام دستورات احتیاطی دین در زمینه پوشش و رعایت عفاف از قبیل، عدم اختلاط بی‌مورد با نامحرم، ترک گفتگوی غیرضروری، نداشتن جاذبه‌های جنسی در رفتار و پوشش و جلوگیری از نظربازی و چشم‌چرانی همه و همه مبنی بر این اصل روانی است که مهم‌ترین ویژگی غریزه جنسی در هر دو جنس، سرکشی و حساسیت فراوان به تحریکات بیرونی و درونی است و گاهی یک برخورد یا یک نگاه در یک لحظه اساس خانواده‌هایی را متلاشی کرده و افراد را دچار مشکلات فراوانی می‌کند.

گرچه به نیروی تقوا و ایمان می‌توان تکیه کرد و جلوی خیلی از گناهان را گرفت اما اسلام هرگز در برابر تحریکات و دسائس این غریزه، تقوا داشتن را کافی نمی‌داند و رعایت پیشگیری از جانب مرد و زن را لازم و ضروری می‌شمرد. البته در کنار توصیه به پوشش و کنترل نگاه، توصیه‌های اخلاقی راجع به ازدواج سالم و ترک معارشرتهای غیرضروری نیز آمده است.

یعنی آنچه اسلام می‌کوشد نه محبوسیت زن در خانه و جلوگیری از رشد استعدادها و توانایی‌های او می‌باشد و نه رهاشدگی مطلق و

روابط آزادی که دنیای جدی آن را پذیرفته و عواقب شوم آن را می‌بیند، بلکه نظر دین حریم‌داشتن و حرمت نگاه‌داشتن است.

اینکه در زن علاقه به تبرّج و خودآرایی شدیدتر است و در مرد هوس چشم‌چرانی و نظر‌بازی، لذا احتیاط در همه موارد مربوط به زن و مرد پسندیده و مورد قبول است. اگر مردم حقایق را به خاطر منافع خود کتمان نکنند قطعاً فلسفه پوشیدگی و عفاف را به نفع فرد و اجتماع دیده و آن را از نظر عقلی امری مقبول و مورد اعتماد می‌دانند.

والسلام